الف) بیان زمخشری ذیل آیه «و ما هو علی الغیب بظنین»

نکته دوم؛ من دیروز تفحص کردم و از زمخشری مطلب خوبی پیدا کردم. آدم که بعضی از چیزها را پیدا می‌کند باعث خوشحالی می‌شود. در کشاف بیانی دارند. معروف است که ایشان در اینها خدشه می‌کند اما عبارت او را ببینید؛ به قرائت «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ ـبضَنِينٍ بظنین» رسیده. در مصحف با ضاد است. اما دو قرائت آن آمده است. در اینجا خیلی از حرفها هست. در صفحه قرائت هم اینجا را گذاشته‌ام. مراجعه کنید. تا جایی که ممکن بود از قدیمی‌ترین کتابها اقوالی که در «ضنین/ظنین» آمده را آورده‌ام. منظور من فعلاً حرف زمخشری است. می‌گوید:

> وقرئ: بضنين، من الضنّ وهو البخل أى: لا يبخل بالوحي فيزوى بعضه غير مبلغه، أو يسأل تعليمه فلا يعلمه، وهو في مصحف عبد الله بالظاء، وفي مصحف أبيّ بالضاد. وكان رسول الله صلى الله عليه وسلم يقرأ بهما[1]

«وقرئ: بضنين، من الضنّ وهو البخل أى: لا يبخل بالوحي»؛ او به وحیی که بر او نازل می‌شود بخل نمی‌کند.**«فيزوى بعضه غير مبلغه»**؛ تا برخی از آن‌ها را درز بگیرد. این جور کاری نمی‌کند. این معنای اول است.**«أو يسأل تعليمه فلا يعلمه»**؛ یا اینکه به حضرت می‌گویند که به ما تعلیم دهید، اما حضرت بخل کنند. این معنای اول است.

«وهو في مصحف عبد الله بالظاء»؛ اینجا نکته‌ای دارد. کتاب معروف المصاحف برای ابن ابی داوود است. ابن ابی داوود پسر صاحب سنن است. کتاب او هم معروف است و اهل‌سنت هم با او درگیری ندارند. ولی روایاتی دارد که زمینه سوء استفاده دیگران را دارد و باید مدام از آن بحث کنند. یا باید سند آن را تضعیف کنند و یا ... . ولی در اصل کتاب مشکلی ندارند. از علماء معتبر آن‌ها است. پسر ابن داوود است. در المصاحف ابن ابی داوود هیچ مشکلی ندارند. الآن هم در الشاملة به‌عنوان یک کتاب قفل شده معتبر موجود است. آن‌ها هر کتابی که قبول نداشته باشند را نمی‌آورند. این کتاب در آن جا هست. از این ناحیه مشکلی نیست. در المصاحف، ابن ابی داوود با سندی که واسطه کمی دارد، نقل می‌کند حجاج آمد و مصحف را گرفت و ایزده مورد از آن را تغییر داد. هر کسی این را بخواند می‌گوید ای وای حجاج مصحف را تغییر داد؟! حجاج مصحف را تغییر نداد، مصحف عثمانی که بود، مصاحف عبدالله که به دستش می‌آمد، ایزده مورد از آن را تغییر داد. این یکی از آن‌ها است. اتفاقا ایزده مورد را در المصاحف ذکر می‌کند. می‌گوید:

> حدثنا عبد الله حدثنا أبو حاتم السجستاني، حدثنا عباد بن صهيب، عن عوف بن أبي جميلة، أن الحجاج بن يوسف غير في مصحف عثمان أحد عشر حرفا قال: .... وكانت في إذا الشمس كورت (وما هو على الغيب بظنين) فغيروها {بضنين}
>
> [التكوير: ٢٤] "**[2]**

ببینید الآن زمخشری می‌گوید. مصاحفی که او می‌دید که «ظ» بود را به‌صورت مصاحفی که انسخ عثمان نوشته بود یعنی به «ض» تغییر می‌داد. لذا در مصاحف عثمانی همه به «ض» بود. او مصاحفی که به «ظ» بود را تغییر داد. در این موارد این کار را کرده. بحث تغییر دادن توسط حجاج بحث مفصلی است. من اشاره می‌کنم که بذر آن در ذهن شریفتان کاشته شود که چنین بذرهایی داریم.

«وفي مصحف أبيّ بالضاد»؛ دو مصحف را می‌گوید. می‌گوید عبد الله بن مسعود به «ظ» نوشته و ابی به «ض» نوشته است. من عبارت کشاف زمخشری را می‌خوانم. حال بعد نگویید زمخشری انکار کرده است.

«وكان رسول الله صلى الله عليه وسلم يقرأ بهما»؛ این عبارت از کشاف قیمتی نیست؟! بعد شروع می‌کنند مانند حرف آقای شعرانی را می‌زنند که بخشی از آن خیلی درست است و حرف پخته‌ای هست که نمی‌شود که یک کتاب بیایید و اختلاف نشود. باید آن را بررسی بکنیم و بخش خوب و پخته آن را بگیریم و آن جایی که از آن خروجی می‌گیرند که از استدلالی که کرده‌اند واسع است را قبول نکنیم. الآن ایشان هم همین کار را می‌کند. می‌گوید بعضی‌ها می‌گوید «ض» با «ظ» نزدیک هم هستند. چه فرقی می‌کنند. نزدیک هم بوده‌اند و شبیه به هم نیز نوشته می شده، چون الف «ظ» وقتی نوشته می‌شود مقداری کج می‌شود شبیه به «ض» می‌شود. پس اصل آن همان «و ما هو على الغيب بظنين» است؛ یعنی در نبوت و رسالتش متهم نیست. نه اینکه بخیل نیست. اینجا که جای بخل نیست. عده‌ای اینطور گفته‌اند که اینجا جای بخل نیست بلکه «ظنین» درست است. خب پس چرا با «ض» آمده؟ می‌گویند که اشتباه کرده‌اند. «ظ» بوده اما الف آن طوری گذاشته شده که آن را دندانه «ض» دیده اند.

شاگرد: ...

استاد: زمخشری این را نمی‌گوید. زمخشری می‌خواهد این را رد کند. شروع می‌کند و می‌گوید اینها چه حرف‌هایی است؟! خیلی مطالب درستی می آورد. می‌گوید عرب به‌وضوح «ض» و «ظ» را تشخیص می‌دهد. همه آنها عرب بودند و فرق بین اینها را می‌فهمند. زمخشری می‌گوید به همین سادگی می‌گویید الف «ظ» را کج خواندند؟! در دو-سه سطر توضیح می‌دهد. می‌گوید حضرت هر دو را می‌خواندند و برای متقن به عربی کاملاً واضح است که این دو تفاوت دارد. لذا این حرف چرتی است. بعد می‌گوید:

> ولو استوى الحرفان لما ثبتت في هذه الكلمة قراءتان اثنتان واختلاف بين جبلين من جبال العلم والقراءة، ولما اختلف المعنى والاشتقاق والتركيب**[3]**

«ولو استوى الحرفان»؛ اگر «ض» و «ظ» در تلفظ به هم نزدیک بودند و مسامحه عرفی در آن می‌شد «لما ثبتت في هذه الكلمة قراءتان اثنتان واختلاف بين جبلين من جبال العلم والقراءة»؛ ممکن است کلمه «جبل» باشد. جبلین من جبال العلم و القرائه. جبال یعنی نسل بعد

از نسل. واقعاً حرف درستی است. می‌گوید به صرف این‌که این دو حرف به هم نزدیک باشد، نزد کسانی که متخصص فن هستند این دم و دستگاه برپا می‌شود؟! کسانی که متخصص فن هستند و کاملاً فرق بین «ض» و «ظ» را می‌فهمند، بعد ما بگوییم همینطوری پیش آمده است. می‌گویند که ممکن نیست.

«**ولما اختلف المعنى والاشتقاق والتركيب**»؛ می‌گوید معنا فرق دارد. به اصطلاح لغوی می‌گوییم واج ((fonemlاست. واج این بود که وقتی تغییری می‌کرد معنا تغییری می‌کرد. وقتی عرب می‌گوید «ظنین» و «ضنین»، دو معنا می‌فهمد. خدا رحمت کند آن آقا می‌گفت من به محل عرب ها رفتم که همه مغازه دارها عرب بودند، می‌خواست بگوید که من انجیر می‌خواهم، تا گفت که من تین می‌خواهم چشم های مغازه دار گرد شد. گفت در مغازه من گل می‌خواهد؟! و گل را می خواهد چه کند؟! یعنی زدن آنها این قدر تفاوت می‌کند. ما تین می‌گوییم اما او چطور گفته بود که با این‌که در مغازه انجیر می‌فروخت ولی ذهنش اصلاً سراغ انجیر نرفته بود. می‌گفت طین می‌خواهی چه کار کنی؟! فهمیدم ذهن او سراغ گل رفته بود.

زمخشری هم می‌گوید این شوخی نیست. معنا و اشتقاق و همه چیز اینها دو تا است. در زبان عربی دو واج متبایین هستند. حضرت هم هر دو را می‌خواندند. یعنی حضرت بین آن دو فرقی نمی گذاشتند؟! مفصل ترین کسانی که بین اینها فرق می‌گذاشتند أعلام قرائت بودند.

دیروز که من این را از مثل زمخشری دیدم سند خیلی خوبی شد؛ یعنی او نمی‌گوید که این ها ثابت نیست و تنها یکی است و باید احتیاط کنیم؛ عبارتی که ما آن را پیدا نکردیم و تنها در حدائق بود. لذا این در کشاف بود.

---

[1] الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل ج۴ص۷۱۳

[2]المصاحف لابن أبي داود (ص: ۱۵۷)

[3]الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل ج۴ص۷۱۳

بازبینی #2
ایجاد شده 23 مارس 2024 19:45:47 توسط ... .
به روزرسانی شده 15 مه 2024 13:23:43 توسط ... .